

خبرها

**مدیرعامل خانه سینما خبر داد:**

## «جشن خانه سینما» امسال مراسم ویژه ندارد

**بخش فرهنگی** – مدیرعامل خانه سینما اعلام کرد: بیستمین جشن خانه سینما بدون برگزاری مراسمی ویژه و فقط با دوری فیلم‌ها برپا خواهد شد.

به گزارش ایسنا، نشست خبری بیستمین جشن خانه سینما با حضور علی نصیریان (رییس جشن)، توج منصوروی (دبیر هیات مدیره آکادمی)، مازیار میری (مدیر اجرایی جشن) صبح سه شنبه ۱۹ تیرماه در تالار سیفاله داد خانه سینما برگزار شد. در ابتدای این نشست قایقی منوچهر شاهسواری مدیرعامل خانه سینما تصمیمی را که به یباید هیات رییس‌ه جشن رسیده بود، اعلام کرد.

با اشاره به اینکه جشن امسال آخرین دوره از شیوه‌ای است که ۲۰ سال است، برگزار می‌شود، گفت: بار اجرایی جشنواره امسال به عهده مازیار میری است و آنچه اعلام می‌کنم شاید با فضای کنونی جامعه به نوعی هم‌پیمانی است. به هرحال از زوایای گوناگون تعرضات اقتصادی و فرهنگی وارد می‌شود و ما باید سهم خود را ادا کنیم.

شاهسواری افزود: ایام پرغصه و پرقصه‌ای را می‌گذرانیم و به انکای آن راز عمیق تاریخ ما که میهن دوستی را در خود دارد؛ امسال براساس سیاست چند سال خود که می‌گوید سینمای ایران قابل تفکیک نیست و رو به مردم ایران دارد، تصمیم گرفتیم جشن سینما را با دوری خوب به قوت اجرا کنیم اما از مراسم بزرگ و هزینه‌اضافی خودداری می‌کنیم.

وی خاطر نشان کرد: چنین تصمیمی برای ما سخت بود چون قرار بود یک روز خوش داشته باشیم ولی این یک تصمیم جمعی بود. مجوز این کار باید از رییس جشن هم گرفته می شد و خوشحالم که از سوی آقای نصیریان تشویق هم شدیم.

وی ادامه داد: ما در برخی موارد چاره‌ای جز سکوت نداریم و نمی‌توانیم

حیثیت همکاران خود را در ویرتین رسانه‌ای بگذاریم ما می‌بایست کار کنیم چون فضای خانه سینما فضای کار است.

سپس نشست با حضور علی نصیریان، مازیار میری و توج منصوروی که روی سن نشسته بودند، ادامه پیدا کرد.

علی نصیریان بیان کرد: من با جشن خیلی موافقم چون این همه جشن و جشنواره برگزار می‌شود و بخشی از آن اگر برای کار فرهنگی و هنری باشد خوب است چون برای استعدادهای جوان و توسعه نیاز است که این کار انجام شود؛ با این حال دوستان تلاش کردند این جشن فراموش نشود و به لحاظ اعتباری با شرایط متفاوتی برگزار شود. رییس جشن خانه سینما گفت:اگر کسی به اسکار می‌ود باعث افتخار همه جامعه سینمایی است و من به آقای فرهادی هم گفته ام که من ۵۰ سال پیش انعام می‌دادیم و قبل از ما هم بوده‌مناظور که سینما با غفاری و گلستان شروع شده و با کیمیایی‌ها ما ادامه پیدا کرد.

او در عین حال گفت: بیشتر جنبه الفت و دوستی را باید مدنظر بدانیم و از دشمنی‌ها و برخورد‌های غیردوستانه پرهیز کنیم. مسائل اخلاقی ما ضعیف شده است. این جشن ها برای همین دوستی ها و الفت

هاست. نصیریان از همکاران خود قدردانی کرد و گفت: من اینجا فقط به عنوان یک سیمبل و نماد هستم و امیدوارم این برنامه با آبرو، انس و افتخار برگزار شود.

در بخشی دیگری از این نشست، توج منصوروی درباره شیوه برگزاری جشن امسال با توجه به تصمیم جدید گفت: ما در سه سال گذشته هر سال به دلیلی سعی کردیم به شرایط برگزاری جشن همانند گذشته در ایستنامه آمده نزدیک شویم. در این بین، ناامین هزینه همان شب خاص جشن که با اعلام جوایز نهایی همراه است، ازغدغه‌های مهم ما بود.

نصیرینار یک فیلمبردار قدیمی سینما گفت: ما به عنوان آخرین دورهای که جشن را با شیوه قبیل برگزار می‌کنیم، احساس کردیم دین بیشتری می‌توانیم به سینماگرانی که روی صندلی های آن شب می‌نشینند داشته باشیم و به نظر رسید برای مهمانان جشن امسال (سینماگران) باید صرفه‌جویی کنیم تا به مسائل بیمه‌ای و دیگر اقدامات مربوط به آنها کمک کنیم و صد البته قصد داریم این کارها بیشتر زیرساختی باشند.

او ادامه داد: هنوز برای چگونگی برگزاری «جشن جشن» تصمیمی نگرفته‌ایم و پیشنهادات مختلفی مطرح شده از جمله انتشار در رسانه یا اعلام زنده. ولی هنوز به تصمیم نهایی نرسیدیم اما قصد نهایی ما بر صرفه جویی بود ولی امسال هم دچار این بلا شدیم که دیر شروع کردیم ولی این بهانه خوبی نیست.

منصوروی تاکید کرد: این برنامه مختصر هم به دلیل همزمانی با ماه محرم قطعاً شب ۲۱ شهریور (روز ملی سینما) برگزار نمی‌شود.

در پاسخ به سوال ایسنا درباره درخواست کارگردانان برای دوری فیلم‌های دارای پروانه ساخت ضمن توضیحات مفصّلی گفت: کانون کارگردانان طی این نامه درخواست کرد که حساب مان را با فیلم‌های که یک مدت خاص، نمایش داده نشده‌اند صاف کنیم، آن هم به دلیل اینکه امسال آخرین دوره برگزاری جشن به شیوه‌ی غیر آکادمی است.

او ادامه داد: قرار شد یک بازه سه ساله را درنظر بگیریم و چون ما می‌خواهیم تخصص‌های شاخه‌ای را بررسی کنیم به این نتیجه رسیدیم که به قاعده عمومی همواره راجع به فیلم‌هایی قضاوت کنیم که به نمایش عمومی درآمده اند تا برخی را به ضد تبلیغ تبدیل نکند و برخی را هم از دور کند.

این هنرمند یادآور شد:درخواست کانون مبنی بر این بود که پروانه فیلمسازی لحاظ شود و در این باره به مازیار میری ماموریت داده شد که موضوع را بررسی کند؛ چون هم مورد وثوق کانون کارگردانان است و هم در جلساتی ارشاد حضور داشته است.

منصوروی توضیح داد: طبق آماری که ایشان ارایه دادند: ۴۰ فیلم در سال ۹۴، ۴۵ فیلم در سال بعد و ۴۳ فیلم در سال ۹۶ تولید شده که دیده نشده‌اند، در نتیجه این ۱۲۸ فیلم باید به ۷۵ فیلم ما اضافه می‌شود. یعنی در طول دو ماه باید روزی ۵ فیلم را به نمایش بگذاریم که این غیرممکن است چون برخی از آن‌ها اصلا دی وی دی نشده‌اند. ضمن اینکه از بین ۷۵ فیلم ما تا ۴۵ با باید روی برده نمایش داده شوند و در نهایت حدود ۱۷۰ فیلم را در مدت کمتر از دوماه باید نمایش دهیم. بنابراین طبق بررسی‌ها این پیشنهاد عملی نبود نه اینکه نخواهیم چون اتفاقا نظرات مثبت بود ولی به شکل تکنیکی نمی‌توانستیم آن را اجرایی کنیم. او افزود: همچنین باید قالب و چهارچوبی را تعیین کنیم تا تمام فیلم‌ها برای دوری یک جنس باشند بنابراین در زمین بازی ما این کار عملی نیست. دبیر هیات رییس‌ه انجمن عالی هنرها و فنون سینما در پاسخ به پرسشی درباره طولانی شدن تنظیم اساسنامه آکادمی گفت: ما در این سه چهار سال با توجه به بررسپها و نقد برخی شاخه‌ها در سینمای ایران ناچار بودیم اساسنامه را مرتب به روز کنیم که در نهایت نوشته شد و سه دوره هم اجرایی شد ولی موافقت با آن فقط در خانه سینما کافی نیست چون براساس قوانین کشور نیز باید تمام موارد آن بررسی شود و این مرحله زمان بر است.

او با تاکید براینکه برای حمایت دولت تا برگزاری جشن، ما هیچ توعی را با دولت مطرح نکردیم، گفت: همچنین تصمیم امسال ما مطلقا به شایعه‌ای که پخش شد مبنی بر اینکه سازمان بازرسی ورود کرده، ارتباط ندارد چون ما سالانه حسابرسی در خانه سینما داریم و هیچ افرادی درباره حسابرسی های خانه سینما تاکنون وجود نداشته است.

## {فر هنگ و هنر }

## عشق و مولفه‌های انسانی در داستان‌های «چخوفِ مونت»

**صادق وفايي**

مجموعه‌داستان‌روسی «چتر ژاپنی» نوشته‌ویکتوریا توکاروا سال گذشته با ترجمه پرویز دویبی مترجم ایرانی مقیم جمهوری چک توسط انتشارات جهان کتاب منتشر و راهی بازار نشر شد. این کتاب ۸ داستان کوتاه را از نویسنده مذکور در بر می‌گیرد که به تعبیر عدای از اهالی ادبیات، چخوف مونت است. عناوین داستان‌های کتاب به ترتیب عبارت است از: «مرکز نقل»، «داستان شب عید»، «زیگراگ»، «چتر ژاپنی»، «پایان خوش»، «به جای من…»، «بین زمین و آسمان» و «چند قطره امید».داستان‌های «مرکز نقل»، «پایان خوش»، «زیگراگ» و «چند قطره امید» و داستان‌های دیگر» به زبان انگلیسی و باقی داستان‌ها از کتابی چکی با عنوان «تعطیلات رمی» به فارسی ترجمه شده‌اند. این نویسنده، از ۱۲ سالگی هنگامی که مادرش یکی از داستان‌های افسانه‌ای را برایش خوانده، به داستان و نوشتن علاقه‌مند شده است. به این ترتیب، می‌توان روح قصه‌گویی را در داستان‌های توکاروا در این کتاب مشاهده کرد. او در همه داستان‌های این مجموعه، قصه‌گوست و روایت یک داستان، اولین اولویتش بوده است. مفاهیمی هم که در قصه‌ها به آن‌ها پرداخته، انسانی و عاطفی هستند، موضوعاتی از جمله زندگی، مرگ، کودکی، عشق، خودکشی و …

دویابی نیز در مطلب کوتاهی که به عنوان مقدمه این کتاب نوشته، به دیدگاه چخوفی این نویسنده و تأثیری که روی نگارش گذاشته شده، اشاره می‌کند. نگاه مهربان، عاطفی و بخشاینده به آدم‌ها، تعبیری هستند که دویابی درباره توکاروا و این داستان‌ها به کار برده است.

به همین دلیل برخی از منتقدان، این نویسنده را با لقب چخوف مونت خوانده‌اند.ویژگی بارز داستان‌های این کتاب، در اولین مواجهه، سادگی و عدم پیچیدگی نثر آن‌هاست. البته در برخی از قصه‌ها روپا و واقعیت با یکدیگر مزوج می‌شوند اما نویسنده اصلا در پی غامض‌نویسی یا مرموز بودن نیست و فقط قصد قصه‌گویی دارد؛ شاید دلیلش همان ریشه‌هایی باشد که از ۱۲ سالگی در او جوانه زده‌اند. به طور حتم، نمونه‌های زیادی شبیه به داستان‌های ویکتوریا توکاروا خوانده‌ایم اما مربوط به دورانی هستند که کودک بودیم و داستان‌های افسانه‌ای و پریان یا قصه‌های ساده‌دلانه و کودکانه می‌خواندیم. در روزگار مدرن، پست مدرن، تکنیک در فرم و پیچیدگی در روایط انسانی در محتوا، بیشتر به چشم می‌آید. بنابراین شاید از نظر فرم و محتوا در این کتاب با قصه‌های جدیدی روبرو نباشیم، اما سادگی و اصطلاحا خاکی بودن داستان‌ها، حالتی خوشایند و لذت‌بخش از مطالعه‌شان منتقل می‌کنند.کمابین که دویابی هم اشاره کرده که منتقدان نویسنده‌ای نام می‌تال سیکوری، درباره داستان‌های توکاروا نوشته‌است: «توکاروا تجربه‌گر نیست و سبک و نوع و یا فرم جدیدی ابداع نکرده است. صرفا به شیوه خودش در قصه‌های کوتاه، رد پای نویسندگان واقع‌گرای سرزمین خودش را دنبال می‌کند.»

##### حضور شعر و عنصر خیال

شعر و خیال پردازی یکی از مفاهیم نسبتا ثابت داستان‌های این کتاب است. یعنی شخصیت‌های اصلی قصه‌ها که زن هم هستند، درون شاعرانه و وجودی عاطفی دارند. مثلا در داستان اول کتاب یعنی «مرکز نقل»، با چنین جمله‌ای روبرو می‌شویم: «لطفا خیال نکنید دارم شوخی می‌کنم یا بازی در می‌آورم. حالم اصلا خوب نیست». «کلام پر از اشعار بود». این جملات را شخصیت زنی بیان می‌کند که می‌خواهد دست از زندگی بشوید و نه با روش‌های متداول و دردناک خودکشی بلکه با یخ زدن در هوای زیر صفر به زندگی‌اش خاتمه بدهد. که البته مواجهه‌اش با یک مرد مانع از این کار می‌شود و البته قرار نیست طبق توقع معمول، عاشق آن مرد بشود. مواجهه با مرد که نمونه‌های دیگری هم در داستان‌های بعدی دارد، باعث شکل‌گیری یک اتفاق می‌شود و در واقع مواجهه دو شخصیت است.

ترکیب‌های زبانی هم از جمله مواردی هستند که می‌توان در داستان‌های توکاروا به آن‌ها پرداخت. مثلا در همان داستان اول که شخصیت اصلی با روایت راوی اول شخص، مشغول روایت حال و احوال خراب خود است، درباره ماندگاری عشق خود از چنین تعبیری بهره می‌برد: «عشق مثل عمل در تابوت فرعون دست نخورده ماند.» و یا «خیال نکنید دیوانه‌ام. خودم را هواپیمایی حس می‌کردم که بنزینش تمام شده و شروع کرده به پرواز بدون موتور؛ هواپیمایی که مرکز نقلش جابه‌جا شده و دارد با سر سقوط می‌کند.»اگر دقت کنیم، هم در این مثال و هم در نمونه‌ای که چند خط بالاتر آوردیم، راوی این داستان که مشغول گفتگو با مخاطب است، مرتب اصرار می‌کند که مخاطب یا شنونده داستانش، خیال نکند! اما داستان اول کتاب، چندان داستان قدرتمند و خوبی نیست چون در انتها، تکلیفش با خود و در زمینه پایان‌بندی مشخص نمی‌شود. در این داستان، فزازهایی وجود دارد که گویی نویسنده دارد خودآگاهانه واقعیت و خیال را تلفیق می‌کند. یعنی این کار آگاهانه انجام نمی‌شود چون در انتها، متوجه نمی‌شویم که این اتفاق یعنی تلفیق واقعیت با خیال رخ داده یا خیر. در چند فراز از داستان، مخاطب به شک می‌افتد که شخصیت راوی و الا، یک نفر هستند یا خیر. اما این مساله در این کتاب هم ماند و متوجه نمی‌شویم که چنین وضعیتی اصلا هست یا نیست. همان‌طور که در داستان هم می‌خوانیم: «روی او خم شد و عینک از چشمش روی صورت او افتاد. دست کرد عینکم را برداشت به چشم زد و گفت: بله، واقعا هستی!» بنابراین در همان فزازهایی که داستان به سمت مرور شدن می‌رود، قلم نویسنده هم تعریف شد و قدرت تأثیرگذاری اولیه‌اش را از دست می‌دهد.

اما داستان دوم، یعنی «داستان شب عید» قصه‌ای خوب و راضی‌کننده مفاهیم انسانی و لطیفی است که از احساسات کودکانه نشأت گرفته‌اند. ویکتوریا توکاروا متولد سال ۱۹۳۷ و در حال حاضر ۸۰ ساله است. او در داستان‌های این کتاب، احساسات دوران دخترچگی، جوانی و میان‌سالی زنان را روایت کرده است. در این داستان هم از خاطرات دوران دبستان کی دخترچیه از

## داستان‌های «چخوفِ مونت»

طبقه فقیر جامعه کمونیستی و همچنین مقطعی کوتاه از سال‌های جوانی‌اش می‌گوید. تعبیر راوی اول شخص این داستان هم این است که «چچی دوران خوبی است که آدم همین‌طوری بی‌وی خودی دوست می‌دارد، و تنها توقعش از دنیا این است که گیاهی گل بدهد.» جالب است که چند داستان بعدتر، در قصه «به‌جای من…»، راوی دانای کل درباره شخصیت اصلی قصه‌اش یعنی یک مرد ۳۰ ساله می‌گوید: «سی سال سن زیادی نیست، سن کمی هم نیست. آدمی در سی سالگی باید در اوج زندگی‌اش باشد…».

داستان بعدی، «زیگراگ» هم قصه بدی ندارد اما در انتها مشخص نمی‌شود که واقعیت بوده یا خیال! تنها توصیفات و لحظات زیبایی که داستان پیش رو دارد، موجب لذت‌بخشی به مخاطب می‌شود. این داستان از این نظر، مشابه اولین داستان کتاب است. از منظر دیگر هم، حضور شخصیت مرد کنجکاو و فضول، دیگر مولفه شابهت با داستان «مرکز نقل» است؛ مردی که ناگهان وارد قصه شخصیت اصلی که یک زن باشد می‌شود و سوال می‌پرسد. مرد این داستان شخصیت ختیز و مهربان است. به نظر می‌رسد این داستان و داستان اول کتاب، بیشتر واگویی و قصه‌هایی کوتاه درباره دلنتگی‌های زندگی و حالت انقباض روحی هستند. این دلنتگی‌ها هم مربوط به گذشت زمان و گذر عمر هستند: «به‌نظرش رسید که این کار در زمان دیگری در عمرش از او سر زده، ولی در کجا؟»

داستان «چتر ژاپنی» یکی از داستان‌های خوب و قوی این کتاب است که در آن مشکل داستان اول و سوم وجود ندارد و تکلیف روپا و واقعیت کاملا مشخص است. یعنی از این حیث، معلوم است که نویسنده قصد داشته داستانی فانتزی بنویسد. در این داستان، شخصیت اصلی زنی میانسال است که در بلوک شرق زندگی می‌کند و درباره ممالک غربی هم در قصه‌اش می‌گوید. موضوع درباره صف‌های بی‌دلیل و بی‌آگاهی برای خریدن اجناس فروشی است. یکی از این اجناس، چتر ژاپنی است که عرضه‌اش در جامعه این داستان، موضوعیتی ندارد. شخصیت راوی هم همان‌طور که چند خط پیش‌تر گفتیم، مانند داستان‌های «داستان شب عید» و «به جای من…»، جمله‌ای تحلیلی درباره سن و سالش دارد که از این فرات است: «من در نیمه‌راه عمر هستم که غم‌انگیزترین دوره عمر است؛ که هوس هنوز به گذشته‌ها نپیوسته، ولی خستگی از حلا در دل جا خوش کرده است.»

##### نقدی بر جهان کایتالیستی و سرمایه‌داری

در این داستان همچنین می‌توان تقابل دنیای شرق و غرب و جهان سرمایه‌داری را با زندگی کارگری و غیرسرمایه‌داری مشاهده کرد. در این داستان، خیال شخصیت راوی به این‌جا می‌رسد که جای آدم‌ها و اجناس فروشی تغییر کرده و این اجناس هستند که آدم‌ها را انتخاب کرده و می‌خرند. یکی از جملات مهم نویسنده در این داستان این است: «از فکر گذشت کی مرا ممکن است انتخاب کند؟ اجناس را از نظر گذراندم. به درد هیچ‌کدامشان نمی‌خورد…» او در پایان‌بندی این داستان روی کارت‌هایی که اجناس، انسان‌ها را با آن‌ها می‌خرند، عبارت «شکستی» را مشاهده می‌کند.

«پایان خوش» یک داستان شاعرانه و مرگ‌اندیشانه درباره انتقال انسان از این زندگی پس به زندگی پسین است. شخصیت اصلی‌اش هم یک زن است که می‌میرد و مشغول روایت اتفاقات پس به مرگش و مشاهده خاندان و اطرافیانش است. این داستان، قصه و طرحی ساده دارد اما داستان بدی با عنوان «به جای من…» از جمله قصه‌های بحث‌برانگیز و جالب کتاب است که به نظر می‌رسد تم و زمینه اصلی‌اش از نمایشنامه «فاوست» گوته گرفته شده باشد. موضوع درباره زندگی همان مرد جوانی ۳۰ ساله‌ای است که چند سطر بالاتر جمله‌ای از داستانش را درباره بودن در مقطع ۳۰ سالگی ذکر کرده‌ایم. او در این سن، برای گرفتن حقوق و پول خوب، مجبور است یک قرارداد عشق ببرد؛ موضوعی که نام سونکولف کار کند و در واقع متوجه می‌شود که باید خود را به او بفروشد و هر دستوری که صادر می‌کند انجام دهد تا بتواند چک حقوقش را دریافت کند؛ این چک زندگی ناپسامان مرد جوان را درگرونی می‌کند. محور اصلی محتوایی این داستان درباره بردگی و آزادگی روح انسانی است. به تعبیر پیرمرد قصه، «همی توانی هم عشق بورزی و هم برده باشی. فقط آدم آزاده می‌تواند عشق بوردز و تو هم برده‌ای». البته، ویکتوریا توکاروا در این داستان، در پی اقتباس از فاوست نبوده بلکه با رافرات گذاشته و طرح قصه‌اش را بر این اساس قرار داده که پیرمرد ثروتمند از مرد جوان می‌خواهد «به جای من زندگی کن…» یعنی کاری که خودش نکرده و تا آمده از لذت‌های زندگی بهره‌مند شود، به سن پیری رسیده است.

داستان بعدی، «بین زمین و آسمان» درباره عشق پاک و بی‌پیرایه است که در یک هواپیما، حین مسافرت و بین زمین و آسمان شکل می‌گیرد که البته قوه عقل، از راه رسیده و آن را اصلاح می‌کند. در این داستان هم مانند چند داستان پیش، مرگ‌اندیشی و خودکشی در فزازهایی خودنمایی می‌کنند و درباره هدف زندگی و غایت آدم‌ها صحبت می‌شود. داستان پایانی کتاب هم با نام «چند قطره امید» از همان داستان‌های ساده و بی‌پیرایه و خوب کتاب است که توقعش را داریم. موضوع هم درباره عشق خالص است. زمینه اصلی این داستان، مخاطب را به یاد همان داستان‌های شاه‌پریانی و شاهزاده‌ای که قرار است با اسب سفید از راه برسد، می‌اندازد. دو زن نسبتا میان‌سال در داستان حضور دارند که در یک کلینیک رسیدگی به کهنسالیان پرستارند و نویسنده از همان ابتدا، تفاوت نگاه و رویکردشان به زندگی را نشان می‌دهد؛ یکی خوشبین و دیگری بدبین و همیشه گلابمند. در نهایت، زن خوشبین، با تحمل تلخی صبر چند ساعته به وصال می‌رسد.

در یک جمع‌بندی کلی، مطالعه مجموعه‌داستان ۱۲۸ صفحه‌ای «چتر ژاپنی» برای مخاطبانی که این روزها مرتب رمان و داستان‌های تکنیکی و پیچیده را می‌خوانند، خالی از لطف نخواهد بود. این کتاب، خاستگاه قصه و آموزندگی آن را به یاد مخاطب می‌آورد و موید این معنی است که قصه در سین سادگی می‌تواند جذاب و خواندنی هم باشد.

##### تفاوت نوشتن رمان و فیلم‌نامه به روایت گیلان فلین نویسنده و فیلم‌نامه‌نویس آمریکایی

## بهترین زمان پیاده کردن ایده‌ها روی کاغذ

داستان‌های جنایی خیلی خشن است و به طور حتم این داستان با قصه‌های معمول جنایی کلی تفاوت دارد. من می‌خواستم نوع جدیدی از داستان‌های جنایی را تعریف کنم چون قبلی‌ها خیلی کلیشه‌ای شده بودند.

♦ **فیلم‌نامه این رمان را نیز خودتان نوشتید. به طور کلی در نوشتن فیلمنامه برای سریال‌ها چه تفاوتی با فیلم‌های سینمایی دارند؟**



اگر بخوالم رمان یا داستان بنویسیم صبح زود از خواب بیدار می‌شوم. این ساعت بهترین زمان برای پیاده کردن ایده‌ها روی کاغذ است. همیشه داستان‌ها را قسمت به قسمت جلو برم و یک بار متوجه می‌ش‌وی که همه داستان تمام شده است.

♦ **بسیاری از رسانه‌های سینمایی فیلمنامه و رمان دختر گمشده را از موفق‌ترین تریلرهای بیست سال گذشته عنوان می‌کنند. موفقیت این کتاب چقدر در روند کارتان تأثیر داشت.**

البته باید اعتراف کنم که موفقیت دختر گمشده باعث ایجاد انگیزه برای نوشتن داستان‌های بیشتر شد. همیشه بون نویسندگان دیگر نیز همین رویه برقرار است. وقتی داستانی از داستان‌هایتان موفق می‌شود، دوست دارید بقیه را هم شبیه آن بنویسید.

♦ **معمولا چه کتاب‌هایی می‌خوانید و چه کتاب‌هایی به دیگران توصیه می‌کنید.**
مهاظور که از داستان‌های من معلوم است به طور حتم طرفدار کارهای آگاتا کریستی هستم. به طور کلی داستان‌های پلیسی دهه‌های قبل را خیلی دوست دارم.

خبرها

## پخش مستندی از خالق سریال «روزی روزگاری» بعد از ۳۴ سال

**بخش فرهنگی** – شبکه مستند سیما در بیست و یکمین قسمت از مجموعه گنجینه «باداراک» مستندی از خالق سریال خاطره‌انگیز «روزی روزگاری» را روی آنتن می‌برد.

به گزارش خبرآنلاین، حنیف شهرپرادر تهیه‌کننده مجموعه «گنجینه» درباره پخش این مستند از کارگردان سریال «روزی روزگاری» گفت: «باداراک» سال ۱۳۶۳ ساخته شده و از نخستین مستندهایی است که امرالله احمدجو بعد از انقلاب ساخته است…»

او درباره جزئیات این مجموعه مستند افزود: «بسیاری از پلان‌های این مستند باکیفیت K۴ اسکن شده، این فیلم گزارشی از مراسمی به همین نام در قره کلیساست و برای نخستین بار با کیفیت HD از تلویزیون پخش خواهد شد.»

امرالله احمدجو از کارگردانان معروف سینمای ایران است؛ او که تحصیلاتش را در رشته فیلم‌برداری در مدرسه عالی تلویزیون به پایان برد آثار بسیاری در کارنامه‌اش دارد که از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به سریال تلویزیونی «روزی روزگاری» با بازی به‌یادماندنی خسرو شکیبایی اشاره کرد.

«گنجینه» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی حنیف شهرپرادر در ۲۶ قسمت حدود یک‌ساعته تهیه‌شده و غلامعلی افشاریه گفتار متن آن را بر عهده دارد، آرین مظفری نویسنده و مسعود سلطانی ارج تدوینگر این مستند هستند.

«باداراک» چهارشنبه ۲۰ تیر ساعت ۲۱ از شبکه «گنجینه» شبکه مستند پخش و پنجشنبه‌ها ساعت ۹ بازپخش می‌شود.

## تاریخ برگزاری جشنواره کن اعلام شد

**بخش فرهنگی** – مسئولان برگزاری جشنواره فیلم کن تاریخ برگزاری هفتادودومین دوره این رویداد سینمایی در سال ۲۰۱۹ را اعلام کردند. به گزارش ایسنا به نقل از هالیوود ریپورتر، دوره آتی جشنواره فیلم کن از تاریخ ۱۴ تا ۲۵ می ۲۰۱۹ (۲۴ اردیبهشت تا چهارم خرداد) برگزار می‌شود و همچون سال گذشته از روز سه شنبه آغاز و ۱۲ روز بعد در روز شنبه به کار خود پایان می‌دهد.

در سال ۲۰۱۸ تاریخ جشنواره فیلم کن با تغییراتی همراه شد تا فصل جدیدی از این رویداد معتبر سینمایی پس از برگزاری جشن تولد ۷۰ سالگی جشنواره در سال ۲۰۱۶ آغاز شود.

جشنواره فیلم کن امسال نیز با وضع و اجرای چند قانون جدید برگزار شد که از آن جمله میتوان به نمایش همزمان فیلم‌ها برای اهالی رسانه و عموم مردم اشاره کرد. این تصمیم در جهت جلوگیری از رفتن فیلم‌ها و انتشار نقد‌ها پیش از نمایش عمومی در جشنواره گرفته شد که البته با انتقاد برخی خبرنگاران نیز همراه بود.

امسال هیات داوران بخش رقابتی جشنواره فیلم کن ۲۰۱۸ به ریاست «کیت بلانتش» جایزه نخل طلای بهترین فیلم این رویداد سینمایی را از میان ۲۱ فیلم رقابت‌کننده به فیلم ژاپنی «دزدان فروشگاه» به کارگردانی «هیروکازو کوریندا» اعطاء کردند، جایزه بزرگ هیات داوران که مهم‌ترین جایزه کن پس از نخل طلاست، به فیلم «کلنژمن سیاه» ساخته «اسپایک لی» رسید، فیلم لبنانی « کفرناحوم» به کارگردانی «تادین لکی» جایزه هیات داوران کن را به خود اختصاص داد و «ژان لوک گدار» کارگردان نامدار سینمای فرانسه برای ساخت فیلم «کتاب تصویر» با اعطای جایزه نخل طلای ویژه مورد تقدیر گرفت.

## جرج کلونی در تصادف جاده‌ای مجروح شد

**بخش فرهنگی**– جرج کلونی بازیگر مشهور آمریکایی که در حال رفتن به صحنه فیلمبرداری در منطقه‌ای در ایتالیا بود، دچار سانحه تصادف شد. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از ای‌ام‌پی، رسانه‌های ایتالیایی می‌گویند جرج کلونی بازیگر معروف آمریکایی بعد از زخمی شدن در یک سانحه موتورسواری در شهر ساردینیا به بیمارستان منتقل شده است و او برای ساخت درام تاریخی «کچ ۲۲» در ایتالیا به سر می‌برد.

البته به نظر می‌رسد این بازیگر آسیبی جدی ندیده باشد چون مسئولان بیمارستان گفتند بعد از انتقال وی به بیمارستان و رسیدگی به آسیب‌های وارد آمده، از بیمارستان مرخص شده است.

بیمارستان ژان پل دوم در منطقه اولیبا امروز اعلام کرد کلونی مرخص شده است. گزارشگران رسانه‌های محلی که برای پی بردن به جزئیات ماجرا جلوی بیمارستان حاضر شده بودند، گفتند کلونی از یکی از ورودی‌های جانبی بیمارستان بیرون رفته است. روزنامه محلی لا نونوا گفت کلونی ۵۷ ساله در حال درمان به صحنه فیلمبرداری سوراب بر موتورسیکلت شخصی‌اش بوده که اوتومیبلی به او زده است. خبرگزاری میدیاست به نقل از مجله محلی «چی» گفت این سانحه نزدیک کوستا کارولینا واقع در محله اولیبا به وقوع پیوسته است.